

آیا بوی یک کودتا نظامی در پاکستان به مشام تان نمی رسد؟؟

اوضاع پاکستان در سه - چهار هفته گذشته، بویژه از زمان قتل حکیم الله محسود رهبر تحریک طالبان پاکستانی به بعد - بطور فزاینده رو به بحرانی شدن گذاشته است.

آمدن محرم و برخورد های مذهبی بسیار شدید، گسترده و بی سابقه در سرتاسر این کشور رویدادهائی بودند که پاکستان را به قول چودهری نثار علی وزیر داخله این کشور از خیبر تا کراچی تکان داد. در همین جریان، کشته شدن یکی از رهبران شبکه فرا بنیادگرای حقانی در روز روشن در اسلام آباد حین خروج از منزلش سبب تحریک بیشتر شبکه مذکور که بانی و حامی اصلی طالبان پاکستان و طالبان افغانستان میباشد و سبب تحریک طالبان پاکستانی و طالبان افغانی، علیه دولت و بدتر شدن اوضاع در پاکستان شد.

دولت پاکستان باوجود اعزام نیروهای پولیس و عسکری - در برخی موارد مانند شورش های مردم در کوهات، باوجود فرستادن تانک ها برای آرام ساختن مردمان معترض و خشمگین - نتوانسته است هنوز قادر به احیای آرامش و حفظ امنیت مردم گردد.

امروز، اولین جمعه بعد از برخورد های مذهبی در راولپندی، هم مردم این شهر و هم دولت در هراس بیش از حد نسبت به تکرار حوادث یک هفته قبل بسر میبرند. این هراس در شهر های دیگر، مانند لاهور و اسلام آباد و پشاور و کراچی و کوئته نیز در میان دولت و مردم به وضاحت دیده می شود.

دولت ده هزار پولیس را برای حفظ آرامش شهر راولپندی موظف ساخته است. ده هزار پولیس برای یک شهر کوچک به تناسب کراچی که برای حفظ امنیت آن امروز پنج هزار پولیس توظیف شده است، یقیناً رقم قابل توجه و چشمگیری است.

این رقم نشاندهنده ابعاد وسیع ناآرامی و بحران در این شهر و در نتیجه در تمام کشور و ترس دولت از وضعیت موجود و آینده آن است.

علمای اهل تشیع دیروز اعلام کردند که ما برای نشان دادن اعتراض نسبت به آنچه طی روز های گذشته در پاکستان اتفاق افتاده است و نسبت به غفلت عمدی - جانبداری - پولیس به خیابان ها خواهیم رفت.

در بسیاری شهر های پاکستان امروز ادارات، مکاتب و سائر کانون های تعلیمی مسدود اعلام شده است.

در کراچی زنان علیه بد امنی و زیاده روی هائیکه که علیه آن ها از جانب دولت و از جانب مردان شان صورت میگیرد، با اطفال شان دست به مظا هره و احتجاج زده اند.

در فیصل آباد پولیس بر کارگران یک فابریکه نساجی که از چند ماه بدینسو معاش خویش را دریافت ننموده و علیه صاحبان فابریکه دست به تظاهرات زده اند، حمله نموده تعداد زیادی از آن ها را زخمی ساخته و تعدادی را هم بازداشت کرده است. چندی پیش در کراچی نیز بخاطر معوق ماندن معاش چندین ماهه حدود هفتاد هزار نفر چنین مظا هراتی به راه افتنده بود.

مزید بر مشکلات اقتصادی و مبارزات اجتماعی، برخورد های مذهبی خونین، آتش زدن خانه ها و دکان ها و وسائط نقلیه و دیگر اشیاء، انفجارها و حملات انتحاری و قتل ها و اختطاف های سیاسی در تعدادی زیاد از شهر های پاکستان و برخورد های مسلحانه باند های جنائی غیرقابل کنترل زندگی در خیلی از شهر ها را کماکان با مشکل روبرو نموده است.

قطع برق در چندین ناحیه شهر کراچی و مشکل آب و تغلب و گرانی - بعضاً تا بیست و پنج در صد - و گشت و گذار آزاد آدمکشان و قاچاقبران و خرید و فروش آشکار مواد مخدر و سلاح و انفجار ها و آتش

سوزی ها و انتحاری ها، همه، به دلیل سستی ناشی از وجود فساد در میان پولیس و سائر ادارات مسئول شدیداً سبب آزرده‌گی و خشم مردم نسبت به دولت شده است.

در برخی از شهرهای پاکستان سوار شدن دو نفر بر موترسائیکل به دلیل پائین آوردن میزان ترور ممنوع قرار داده شده است. تلفون های همراه همچنان در خیلی از شهر ها قطع است. این کار در هیچ کشور جهان و در هیچ زمانی سابقه نداشته است!

تنها در کراچی و لاهور، دیروز جمعاً بیشتر از یک اشاره سه تن هیروئین توسط پولیس ضبط گردیده است. پولیسی که در بسیاری موارد مورد اعتراض مردم قرار دارد و اخیراً، از پس آلودگی آشکار، خود به متهم کردن یک دیگر پرداخته اند - پنجصد کیلو هیروئین در یک شهر و تقریباً نهصد کیلو در شهر دیگر.

قرار گزارش های برخی از رسانه ها - دان نیوز، تلویزیون سماء، تلویزیون آر.آر.وای، جیو و ... مردم مشوش و خوف زده نمی دانند که عاقبت پاکستان و عاقبت خو آن ها به کجا خواهد انجامید!

شهباز شریف، صدراعظم ایالت پنجاب، برادر نواز شریف، دیروز، و بالاخره، اعتراف میکنند که پاکستان با چالش و دهشت گردی روبرو است که اگر با آن برخورد جدی نشود، همه نظام از هم خواهد پاشید.

از فساد حکام که روزانه به میلیون ها دالر می رسد، چون خود و برادرش همراه با فامیل ها و دوستان شان هم شامل آن هستند، حرفی به زبان نمی آورد!

یکی دیگر از همین گونه رهبران سیاسی پاکستان میگوید: ملک در صورتی ترقی میکند که امنیت وجود داشته باشد. دهشت گردی و بی اعتمادی میان مذاهب و اقوام و ملیت ها از بین برده شود و امنیت، به هر ترتیبی که شده، تأمین گردد.

اما، با چنین راه باریک و دورنمای تاریک در پیش روی مردم و دولتمداران پاکستان، چگونه این کشور به این هدف دست خواهد یافت؟

تازه ترین حمله طیاره بدون سرنشین امریکائی به یکی از مدارس شبکه حقانی که منجر به کشته شدن 15 نفر شد، خشم این شبکه و سائر احزاب اسلامی تندرو و تعداد زیاد سیاستمداران این کشور را به غلیان آورده است.

دولت پاکستان که زمانی نه چندان دور تصور میکرد میتواند با تحریک طالبان پاکستان به موافقه برسد و میان آن ها و دولت صلح بر قرار کند، تا نیروهای آن ها را بسیج کرده به کمک طالبان افغان گسیل نماید و افغانستان را تا میتواند ناآرام و بی ثبات و در نهایت مطیع خود بسازد، اینک در چنان وضعیتی دردناکی قرار گرفته است که رسیدن به چنین هدفی را، بویژه با امضای شدن معاهده استراتژیک میان افغانستان و امریکا، کلاً فراموش کرده و به این راضی شده است که کسی به کارش کار نداشته باشد. تا جائیکه اینک مجبور شده است به تحریک طالبان پاکستان باج بروت بدهد - انفاذ قوانین شرعی در ایالت خیبر پختونخواه.

بالاترین هدف دولت پاکستان در حال حاضر احیای آرامش و دست یافتن به یک توافق همزیستی بدون تشدد و جنگ و دشمنی میان تمام احزاب و اقوام و ایالت های این کشور است. به همین دلیل از یک طرف کانفرانس مشورتی قومی را دائر میکند، از طرف دیگر از انفاذ قوانین شرعی در خیبرپختونخواه و انصراف از بر طرف کردن آقای منگل سخن بمیان می آورد؛ زیرا نواز شریف میداند که در چنین وضعیتی بحرانی سبکدوش کردن منگل از کرسی صدارت ایالت بلوچستان مشکلی را بر صد ها مشکلات وی خواهد افزود. بلوچستانی که از سالیان درازی در فکر جدا شدن از پاکستان است و درد سری غیرقابل درمانی را برای پاکستان ایجاد نموده است.

پاکستان در نظر دارد برای احیای آرامش کامل در بلوچستان و سرکوب جدائی طلبان آن، در عین زمان، نیروهای واکنش سریع را در این ایالت بوجود بیاورد.

مشکل کشمیر و مشکل تمویل مصارف و تجهیز طالبان افغانی و تجهیز و تمویل مسلمانان تندرو کشمیر هند، مشکل اختلافات ارضی و مرزی طولانی و حل ناشدنی میان هند و پاکستان، و افغانستان و پاکستان، فشار روز افزون امریکا به این کشور که اینک، و بعد از زمان درازی، بالاخره قادر به

شمردن دندان های پاکستان شده و سر نخ را بدست گرفته است، اکنون همراه با مشکلات متنوع داخلی کمر پاکستان را بسوی شکستن خم نموده است. پاکستان این همه مشکل را چگونه حل خواهد کرد؟ آیا دولت موجود توانائی حل این همه مشکل را در خود میبیند؟

اگر جواب یک "نه" ای محکم است، پس چاره کار پاکستان برای برآمدن از این بحران در اختیار کردن کدامین راه خواهد بود؟

شاید نظامیان پاکستان همین حالا به یک کوتای نظامی که بتواند این همه مشکل را در آن کشور، بزعم آن ها، تا حدودی حل کند، فکر میکنند. آیا این گزینه به نظر شما رهیافتی درستی خواهد بود؟

آیا امریکائی ها با این کار نظامیان پاکستان موافقه خواهند کرد؟ آیا، اگر امریکائیان به این کار موافق نباشند، نظامیان پاکستان باز هم به کودتائی مبادرت خواهند ورزید؟

ممکن هم است که اینهمه مشکل، چنانکه برخی از سیاستمداران پاکستان نیز میگویند، پاکستان را واقعاً به نابودی کامل، یعنی تجزیه بکشانند و کودتا هم راه خروج از این همه مشکل نباشد!

چنین تصویری برای کشوری که برای منطقه و جهان درد سر های زیادی بوجود آورده است از یک طرف بسیار خوشایند است، و از جانب دیگر با وضع و نیت ناپاک سیاستمداران آن بسیار زیاد مطابقت دارد!!